

گفت و گو با فاطمه معتمد آریا به بهانه اکران «یحیی سکوت نکرد»

## دریچه‌های ابتدال بسته شود نه خلاقیت

محمدصادق شایسته | دلمان تنگ شده بود برای دیدن یک بازی درخشان دیگر از فاطمه معتمد آریا بر پرده سینما. در این سال معتمد آریا یک فیلم بازی نکرده اما بسیاری از فیلم‌هایش یا هنوز اکران نشده‌اند یا در توقیف بسر می‌برند. باین حال اکران «یحیی سکوت نکرد» تمام و کمال این دلننگی را از بین برد و بار دیگر معتمد آریا در قالب نقشی ظاهر شد که دیگر کسی را نمی‌توان غیر از او قالب آن تصور کرد. معتمد آریا برای بازی در نقش عمه در این فیلم‌های خود را که تا به نام‌های کاملاً متفاوت یکی از پیچیده‌ترین نقش‌هایش به لحاظ شخصیتی را بازی کرده است، اولین تجربه کار با او با فیلم پوران روزها در سینماهای گروه هنر و تجربه «روی پرده است و اکران فیلم، بهانه خوبی بود تا در حاشیه یکی از نشست‌های خبری فیلم به سراغ معتمد آریا برویم و گفت‌وگویی با او در خصوص مسائل مختلف انجام دهیم.

در سینمای جهان بازیگران معدودی مثل هلن میرن یا مریل استریپ وجود دارند که با لارتن سن و سالشان باعث نشده از پیشنهادهای کاری‌شان کم شود و همچنان پر کارند. در سینمای ایران هم شما نمونه بسیار خوبی برای این مسأله هستید و با تمام محدودیت‌هایی که در این سال‌ها با آن مواجه بودید و حتی بسیاری از کارهایتان هم دیده نشده‌اند اما باز هم پرکار هستید و پیشنهادات زیادی برای بازی به شما می‌شود. به نظر خودتان این مسأله ناشی از چیست؟

البته در تئاتر و سینمای ما هم از این دست بازیگران داشته‌ایم. نمونه‌اش خانم جمیله شخبچی یا خانم چهره آزاد هستند که تا آخرین روزهای زندگی‌شان بازی می‌کردند. من هنوز خیلی زمان دارم تا به سن آن موقع‌های استادهای خود برسم اما آنچه که باعث می‌شود یک بازیگر بتواند در این مسیر بماند اعتمادبه‌نفسی است که در حرف‌هاش دارد و نه هیچ چیز دیگر. من هنوز فکر می‌کنم خیلی کار هست که باید انجام دهم و خیلی راه‌های ترفته وجود دارد که باید آنها را طی کنم. ما چند بحث در بازیگری داریم: استار، سوپر استار و بازیگر. اینها لزوماً با یکدیگر یکی نیستند ولی کلا همیشه بازیگران باقی خواهند ماندند سوپر استارها البته ممکن است یکی مثل خانم میران استریپ یا آمیتاب باچان در سینمای هند سوپر استار هم باشند ولی اول از همه بازیگرند و اختلاف هنر بازیگری آنها با دیگران خیلی زیاد است. ضمن این که در هیچ‌وقت نمی‌خواهم عنوانم دو تا شود. یعنی هم بازیگری هم کارگردان. کارگردان هم تهیه کننده و خب شاید این مهم‌ترین چیزی است که به آن اعتقاد دارم. این که همیشه فقط یک بازیگر بمانم ولی سعی کنم بهتر باشم. ضمن این که بعد می‌دانم مدام سینمای ما همیشه برای من نقش دارد، خودم مدام تلاش می‌کنم این چرخه را تغییر دهم. ۹۹ درصد فیلمنامه‌هایی که به دست من می‌رسد یا ماجرای اعتیاد است یا تاریخ نمایشی ما ندارد که بخواند چیزی بنویسد. الان مشکل اصلی سینمای ما نه کمبود بازیگر خوب است نه کمبود کارگردان خوب، مشکل ما نبود فیلمنامه‌نویس خوب است. هیچ‌کسی علاقه‌مند نیست برای من نقشی بنویسد، خب خودم باید دست به کار شوم و مدام چرخه بازیگری‌ام را تغییر دهم تا به تکرار نرسم.

مهم‌ترین ویژگی شخصیت عمه در فیلم «یحیی سکوت کرد» چه بود که حضور در آن را پذیرفتید؟

یکی از چالش‌های سناریویی که خواندم چند گانگی این شخصیت بود و نکته جالب‌تر این بود که او در ارتباط با یک کودک قرار می‌گیرد. از سال‌های دور به شخصیت‌های چند گانه علاقه داشتم. برخی شخصیت‌ها در فیلم‌هایی که بازی کردم چنین خصوصیاتی داشت که البته بسیاری از آنها دیده نشده. شخصیت چند گانه باعث می‌شود که شما در ظاهر قضاوتی را نسبت به او داشته باشید ولی درونش چیز دیگری در جریان است. عمه، عاطفه‌ای در ارتباط با اطراف‌افش و به خصوص این بچه دارد که پوست یک لایه خشن ظاهری که به دلیل قضاوت همان جماعت اطرافش به وجود آمده پنهان شده، این مسأله برایم بسیار جذاب و جالب بود. این که بتوانم به جزئیات درونی یک شخصیت ظاهراً خراسان، منگی و به دور از عاطفه پربرازم چالش خوبی‌ای برسانم. با این که همه انسان‌ها از این دست پیچیدگی شخصیتی جذاب در خود دارند اما متأسفانه شخصیت‌ها در فیلمنامه‌های ما همیشه تک بعدی‌اند، اینجا شخصیت عمه چند بعدی بود و این مسأله برایم اهمیت زیادی داشت.

سال‌ها بود که حضور شما را تا این اندازه نزدیک در کنار بچه‌ها ندیده بودیم. حتی در فیلم جدید کلاه قرمزی هم که ما به حضور شما در آن عادت کرده بودیم، حضور نداشتید...

عدم حضورم در کلاه قرمزی به این دلیل بود که اجازه نداشتم باقر کوردار ممنوع‌الکار بودن شده‌اید.

فکر می‌کنم درست است. (می‌خندد) می‌گذریم. همیشه در کارهایی که یک طرف ماجرا کودک بوده شما حضور بسیار موفقی داشته‌اید. مثل «مهر مادری»، «شهر موش‌ها»، «کلاه قرمزی» و حتی سریال «گل با مجال». انگار یک حس کودکانه خاصی وجود دارد که در مواجهه شما با کودک آن حس منبوس می‌شود. اولاً چه اتفاقی می‌افتد که این حس به وجود می‌آید و ثانیاً چرا این قدر کم در کارهای کودک حضور دارید؟

برای من کار با کودک یک ویژگی مهم دارد. کودکان



عکس: ها، تصویر: شایسته

زمان فیلمی مثل «اجار نشین‌ها» اثر آقای مهرجویی را داریم که با این که ساختاری کم‌دی دارد اما از چارچوب محکم، جذاب و دل‌نشینی برای مخاطب برخوردار است اما هر چه می‌گذرد این نگاه اجتماعی به جامعه در هر قالبی که هست سطحی‌تر می‌شود تا جایی که امروز این نگاه تنها به اتفاقات خیلی سطحی و سیاه جامعه می‌پردازد.

به نظر شما چرا نگاه سینمای ایران در این زمینه چنین زاویه‌ای پیدا کرده است؟  
دلیلش حتماً مسائل اجتماعی است تا تاثیر خودش را بر مسائل فرهنگی هم گذاشته است.

یعنی هنرمندان در این اتفاق چندان مقصر نیستند؟

بله. خیلی زیاد. البته شاید به خاطر بازی در کنار خانم معتمد آریا باشد که این قدر از بازیگری خوشم آمده، بازی کردن در کنار خانم معتمد آریا خیلی دلچسب بود، در کنار ایشان خیلی چیزها یاد گرفتم.

اگر یک روز ببینی تنها فیلمی که توانستی بازی کنی همین «یحیی سکوت نکرد» بوده خیلی ناراحت می‌شوی؟  
بله. من خیلی تلاش می‌کنم بتوانم هنرم را به مردم تقدیم کنم و دوست دارم که آنها کارهای برخی نه نمی‌توان کسی را در این زمینه مجبور کرد ولی شناخته‌تر بودن هنرمندان باعث می‌شود که مردم بیشتر به حرکت‌هایی از این دست اعتماد کنند و در آن مشارکت‌ها باشند.

چه چیزی درون شما و وجود دارد که باعث می‌شود همیشه در این راه حضور پررنگی داشته باشید؟  
معلومه که باید به هنرمندان اعتماد کرد. چه کسی را می‌توان سپردا کرد. اتفاقاً من خیلی موفقم و دوست دارم که چارچوب‌های مشخص وجود داشته باشد نه منع خلاقیت. دلیلی که خیلی از هنرمندان ما نمی‌توانند جلو بروند این است که در سال‌های چندانی دور، منع ابتدال، بلکه منع خلاقیت علت اصلی مشکلات آنها بود. اتفاقاً جالب است که اگر درست دقت کنید یک جایی به بعد در بچه‌های ابتدال به وفور باز و یک نوع بی‌فرهنگی اشتهاء داده شد. حالا به نظر می‌رسد که خدا را شکر دوباره این منع فقط به سمت ابتدال در حال حرکت است نه خلاقیت.

سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب مسیر پر فرازونشیبی را تا امروز طی کرده است. یکی از نگاه‌هایی که در بین مدیران دولتی نسبت به هنرمندان - که سینماگران بخش مهمی از آن هستند - وجود دارد و گاهی به شدت موجبات حاشیه‌ها و فراهم می‌کند این است که هنرمندان و اخص‌تر سینماگران انسان‌هایی متختر با تمایلات اپوزیسیونی هستند که هیچ‌گاه

نه نیستند. البته نمی‌خواهم بگویم که اصلاً مقصر نیستند. ولی به جهت هنرمندان ما به واسطه سیاست‌گذاری‌ها و کنترل و چارچوبی که برای مسائل فرهنگی ایجاد کرده‌اند باید در همان مسیر تعیین شده حرکت کنند و خیلی قادر نیستند این چارچوب‌ها بشکنند و فراتر بروند.

خسب به نظر شما در این ۳۰ سال آیا این سختگیری‌ها و گذاشتن چارچوب‌های سخت و سخت‌موتور بوده؟ آیا هنوز هم نمی‌شود به هنرمندانی که در این سال‌ها کار کرده‌اند اعتماد کرد؟

معلومه که باید به هنرمندان اعتماد کرد. چه کسی را می‌توان سپردا کرد. اتفاقاً من خیلی موفقم و دوست دارم که چارچوب‌های مشخص وجود داشته باشد ولی چارچوبی که در آن منع ابتدال وجود داشته باشد نه منع خلاقیت. دلیلی که خیلی از هنرمندان ما نمی‌توانند جلو بروند این است که در سال‌های چندانی دور، منع ابتدال، بلکه منع خلاقیت علت اصلی مشکلات آنها بود. اتفاقاً جالب است که اگر درست دقت کنید یک جایی به بعد در بچه‌های ابتدال به وفور باز و یک نوع بی‌فرهنگی اشتهاء داده شد. حالا به نظر می‌رسد که خدا را شکر دوباره این منع فقط به سمت ابتدال در حال حرکت است نه خلاقیت.

سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب مسیر پر فرازونشیبی را تا امروز طی کرده است. یکی از نگاه‌هایی که در بین مدیران دولتی نسبت به هنرمندان - که سینماگران بخش مهمی از آن هستند - وجود دارد و گاهی به شدت موجبات حاشیه‌ها و فراهم می‌کند این است که هنرمندان و اخص‌تر سینماگران انسان‌هایی متختر با تمایلات اپوزیسیونی هستند که هیچ‌گاه

گفت و گو با ماهان نصیری بازیگر کودک فیلم یحیی سکوت نکرد

دوست دارم هنرم را به مردم عرضه کنم

بیخود نیست که فاطمه معتمد آریا هوش او را فراتر از سنش می‌داند و از بین ۲۰۰ کودک بلافاصله برای بازی در نقش «یحیی» انتخاب می‌شود. صحبت کردن با ماهان نصیری ۹ ساله یک اتفاق غافلگیر کننده است. نه از آن جهت که بازی‌اش در «یحیی سکوت نکرد» از بازی همسن و سال‌هایش در سال‌های اخیر در فیلم‌های سینمایی دیگر یک سر و گردن بالاتر است که این مسأله به تنهایی غافلگیر کننده است اما دلیل اصلی، ادبیات او و نحوه صحبت کردنش در هنگام مصاحبه بود که هیچ شایه‌تی به ادبیات یک پسر بچه ۹ ساله نداشت.

روز اولی که سسر صحنه رفتی و جلوی دوربین قرار گرفتی به نظرت بازیگری کار سختی بود یا آسان؟  
چون اولین فیلم من بود روز اول کمی احساس سختی می‌کردم ولی بعد برایم عادی شد. از کی برایت عادی شد؟

روز سوم، شاید هم روز چهارم بود که همه چیز عادی شد.  
اتفاق خاصی افتاد؟  
راه‌نمایی‌های آقای ابراهیم پور، به عنوان کارگردان خیلی خوب به من کمک کردند تا درست جلو بروم و بدانم که چه کاری باید انجام دهم.

خودت یحیی را دوست داشتی؟  
بله خیلی زیاد.

اگر بخواهی بگویی یحیی چه پسر است چگونه تعریفش می‌کنی؟  
به نظر من یک پسر خیلی کنجکاو است که می‌خواهد از آن چیزهایی که عمه‌اش در خانه پنهان کرده باخبر شود. پسر است که دوست دارد از همه چیز سر در بیاورد.

خودت هم مثل یحیی دوست داری از همه چیز سر در بیاوری؟  
نمی‌خواهم از خودم تعریف کنم ولی من واقعا هم از ادبیت کنی نیستم، ولی خب ممکنه کمی هم کنجکاو باشم. بستگی به ذات آدم دارد.

ذات خودت چه شکلی است؟  
در ذات من مهربانی و عصبانیت و خیلی چیزهای دیگر وجود دارد ولی معمولاً از هر کدام در جای خودش استفاده می‌کنم. یعنی باید جای خاصی باشد که عصبانی شوم، بیخودی و الکی عصبانی نمی‌شوم.

حالا که بازیگری را تجربه کردی از آن خوش‌آمد؟  
بله. خیلی زیاد. البته شاید به خاطر بازی در کنار خانم معتمد آریا باشد که این قدر از بازیگری خوشم آمده، بازی کردن در کنار خانم معتمد آریا خیلی دلچسب بود، در کنار ایشان خیلی چیزها یاد گرفتم.

اگر یک روز ببینی تنها فیلمی که توانستی بازی کنی همین «یحیی سکوت نکرد» بوده خیلی ناراحت می‌شوی؟  
بله. من خیلی تلاش می‌کنم بتوانم هنرم را به مردم تقدیم کنم و دوست دارم که آنها کارهای برخی نه نمی‌توان کسی را در این زمینه مجبور کرد ولی شناخته‌تر بودن هنرمندان باعث می‌شود که مردم بیشتر به حرکت‌هایی از این دست اعتماد کنند و در آن مشارکت‌ها باشند.

چه چیزی درون شما وجود دارد که باعث می‌شود همیشه در این راه حضور پررنگی داشته باشید؟  
معلومه که باید به هنرمندان اعتماد کرد. چه کسی را می‌توان سپردا کرد. اتفاقاً من خیلی موفقم و دوست دارم که چارچوب‌های مشخص وجود داشته باشد ولی چارچوبی که در آن منع ابتدال وجود داشته باشد نه منع خلاقیت. دلیلی که خیلی از هنرمندان ما نمی‌توانند جلو بروند این است که در سال‌های چندانی دور، منع ابتدال، بلکه منع خلاقیت علت اصلی مشکلات آنها بود. اتفاقاً جالب است که اگر درست دقت کنید یک جایی به بعد در بچه‌های ابتدال به وفور باز و یک نوع بی‌فرهنگی اشتهاء داده شد. حالا به نظر می‌رسد که خدا را شکر دوباره این منع فقط به سمت ابتدال در حال حرکت است نه خلاقیت.

سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب مسیر پر فرازونشیبی را تا امروز طی کرده است. یکی از نگاه‌هایی که در بین مدیران دولتی نسبت به هنرمندان - که سینماگران بخش مهمی از آن هستند - وجود دارد و گاهی به شدت موجبات حاشیه‌ها و فراهم می‌کند این است که هنرمندان و اخص‌تر سینماگران انسان‌هایی متختر با تمایلات اپوزیسیونی هستند که هیچ‌گاه

نه نیستند. البته نمی‌خواهم بگویم که اصلاً مقصر نیستند. ولی به جهت هنرمندان ما به واسطه سیاست‌گذاری‌ها و کنترل و چارچوبی که برای مسائل فرهنگی ایجاد کرده‌اند باید در همان مسیر تعیین شده حرکت کنند و خیلی قادر نیستند این چارچوب‌ها بشکنند و فراتر بروند.

خسب به نظر شما در این ۳۰ سال آیا این سختگیری‌ها و گذاشتن چارچوب‌های سخت و سخت‌موتور بوده؟ آیا هنوز هم نمی‌شود به هنرمندانی که در این سال‌ها کار کرده‌اند اعتماد کرد؟

معلومه که باید به هنرمندان اعتماد کرد. چه کسی را می‌توان سپردا کرد. اتفاقاً من خیلی موفقم و دوست دارم که چارچوب‌های مشخص وجود داشته باشد ولی چارچوبی که در آن منع ابتدال وجود داشته باشد نه منع خلاقیت. دلیلی که خیلی از هنرمندان ما نمی‌توانند جلو بروند این است که در سال‌های چندانی دور، منع ابتدال، بلکه منع خلاقیت علت اصلی مشکلات آنها بود. اتفاقاً جالب است که اگر درست دقت کنید یک جایی به بعد در بچه‌های ابتدال به وفور باز و یک نوع بی‌فرهنگی اشتهاء داده شد. حالا به نظر می‌رسد که خدا را شکر دوباره این منع فقط به سمت ابتدال در حال حرکت است نه خلاقیت.

سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب مسیر پر فرازونشیبی را تا امروز طی کرده است. یکی از نگاه‌هایی که در بین مدیران دولتی نسبت به هنرمندان - که سینماگران بخش مهمی از آن هستند - وجود دارد و گاهی به شدت موجبات حاشیه‌ها و فراهم می‌کند این است که هنرمندان و اخص‌تر سینماگران انسان‌هایی متختر با تمایلات اپوزیسیونی هستند که هیچ‌گاه

نه نیستند. البته نمی‌خواهم بگویم که اصلاً مقصر نیستند. ولی به جهت هنرمندان ما به واسطه سیاست‌گذاری‌ها و کنترل و چارچوبی که برای مسائل فرهنگی ایجاد کرده‌اند باید در همان مسیر تعیین شده حرکت کنند و خیلی قادر نیستند این چارچوب‌ها بشکنند و فراتر بروند.

خسب به نظر شما در این ۳۰ سال آیا این سختگیری‌ها و گذاشتن چارچوب‌های سخت و سخت‌موتور بوده؟ آیا هنوز هم نمی‌شود به هنرمندانی که در این سال‌ها کار کرده‌اند اعتماد کرد؟

معلومه که باید به هنرمندان اعتماد کرد. چه کسی را می‌توان سپردا کرد. اتفاقاً من خیلی موفقم و دوست دارم که چارچوب‌های مشخص وجود داشته باشد ولی چارچوبی که در آن منع ابتدال وجود داشته باشد نه منع خلاقیت. دلیلی که خیلی از هنرمندان ما نمی‌توانند جلو بروند این است که در سال‌های چندانی دور، منع ابتدال، بلکه منع خلاقیت علت اصلی مشکلات آنها بود. اتفاقاً جالب است که اگر درست دقت کنید یک جایی به بعد در بچه‌های ابتدال به وفور باز و یک نوع بی‌فرهنگی اشتهاء داده شد. حالا به نظر می‌رسد که خدا را شکر دوباره این منع فقط به سمت ابتدال در حال حرکت است نه خلاقیت.

سینمای ایران در سال‌های پس از انقلاب مسیر پر فرازونشیبی را تا امروز طی کرده است. یکی از نگاه‌هایی که در بین مدیران دولتی نسبت به هنرمندان - که سینماگران بخش مهمی از آن هستند - وجود دارد و گاهی به شدت موجبات حاشیه‌ها و فراهم می‌کند این است که هنرمندان و اخص‌تر سینماگران انسان‌هایی متختر با تمایلات اپوزیسیونی هستند که هیچ‌گاه

نه نیستند. البته نمی‌خواهم بگویم که اصلاً مقصر نیستند. ولی به جهت هنرمندان ما به واسطه سیاست‌گذاری‌ها و کنترل و چارچوبی که برای مسائل فرهنگی ایجاد کرده‌اند باید در همان مسیر تعیین شده حرکت کنند و خیلی قادر نیستند این چارچوب‌ها بشکنند و فراتر بروند.

خسب به نظر شما در این ۳۰ سال آیا این سختگیری‌ها و گذاشتن چارچوب‌های سخت و سخت‌موتور بوده؟ آیا هنوز هم نمی‌شود به هنرمندانی که در این سال‌ها کار کرده‌اند اعتماد کرد؟

معلومه که باید به هنرمندان اعتماد کرد. چه کسی را می‌توان سپردا کرد. اتفاقاً من خیلی موفقم و دوست دارم که چارچوب‌های مشخص وجود داشته باشد ولی چارچوبی که در آن منع ابتدال وجود داشته باشد نه منع خلاقیت. دلیلی که خیلی از هنرمندان ما نمی‌توانند جلو بروند این است که در سال‌های چندانی دور، منع ابتدال، بلکه منع خلاقیت علت اصلی مشکلات آنها بود. اتفاقاً جالب است که اگر درست دقت کنید یک جایی به بعد در بچه‌های ابتدال به وفور باز و یک نوع بی‌فرهنگی اشتهاء داده شد. حالا به نظر می‌رسد که خدا را شکر دوباره این منع فقط به سمت ابتدال در حال حرکت است نه خلاقیت.

